

مرکز ارزیابی سیاستی ایران



ارتباط با ما

ویژه نامه

امنیت داخلی در دوران جنگ



پیام مدیر مرکز ارزیابی سیاسی ایران

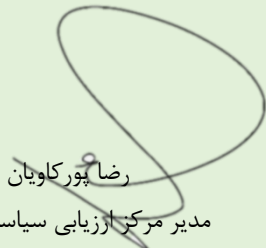
«و جاهدو فی الله حق جهاده»

«و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید»

حال که دست متجاوزین تاریخ بشریت، به طمع غلط به سوی کشور دراز شده است؛ خلع ید آن و حفظ مام میهن و ولایت الهی از اوجب واجبات برای تمامی مسلمانان است. بر این اساس، مرکز ارزیابی سیاسی ایران، با تلاشی روز افزون، در پی ادای مسئولیت الهی و انسانی خود برآمده که لازمه آن، تیزبینی و ژرفاندیشی در موضوعات مخاطره آمیز برای کشور و فعالیت جهادی به منظور ثمربخشی در چنین شرایطی است.

بلاشک عواملی مانند جاسوسی و خرابکاری، تبلیغات منفی و تحریف، آوارگی و بحران در اسکان و افزایش بزه همواره از جمله تهدیدات امنیت داخلی محسوب می گردند که توجه به این عوامل در کنار پی گیری راهبردهای امنیت خارجی، از اهمیت برخوردار است. از این رو، نخستین ویژه نامه این مرکز با عنوان «امنیت داخلی در دوران جنگ»، با هدف آسیب شناسی نقاط بالقوه تهدید آمیز برای امنیت داخلی که می تواند منتج از تجاوزات رژیم غاصب صهیونیستی باشد، تدوین شده است.

امید است که گام برداشته شده مثمر ثمر و یاری بخش حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باشد.



رضا پورکاوپان

مدیر مرکز ارزیابی سیاسی ایران

بحث درباره غنائم و دستاوردهای آن نیازمند تأمل و حساسیت بیشتری است. به‌ویژه در مورد جنگ حاضر، پیامدهای آن به مراتب منفی‌تر از جنبه‌های مثبت آن است. همچنین مدت‌زمان جنگ می‌تواند یک هفته، ده روز یا حتی یک ماه و دو ماه باشد، با این حال، ویرانی‌ها و انهدام‌هایی که به زیرساخت‌های کشور وارد می‌شود، هزینه‌های سنگینی را به دنبال دارد. کشوری که امروز با ناترازی‌های عدیده‌ای در عرصه‌های زیرساختی و انرژی مواجه است و با تحریم‌های شدید هم دست و پنجه نرم می‌کند، حالا با یک مسئله بزرگ‌تر از ناامنی انرژی روبه‌رو شده است. ابعاد پیچیده این مسئله به حدی است که ما با نوعی عدم قطعیت ذاتی مواجه شده‌ایم. این عدم قطعیت یعنی اینکه امنیت در جامعه به شکل ناپایداری در آمده است و اگر یک ماه پیش، امنیت را به‌عنوان دستاورد سیستم حکمرانی تلقی می‌کردیم، اینک می‌بینیم که این دستاورد به هراس اجتماعی تبدیل شده است. بنابراین، این مسئله نه‌تنها ظرفیت‌های حل مسأله را تحلیل می‌برد، بلکه به‌ویژه ظرفیت‌های زیرساختی آن را نیز در خطر می‌اندازد. تداوم جنگ و تخریب‌های ناشی از آن، می‌تواند هزینه‌های مضاعفی را به دوش دولتی که در حال حاضر با چالش‌های کسری بودجه مواجه است، بگذارد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ به لحاظ زیرساختی، تخریب این زیرساخت‌ها و به‌خصوص کسری بودجه‌ای است که در آینده به مراتب بیشتر خواهد شد. تصویب بودجه‌ای که کشور



مصاحبه با دکتر سامان یوسف‌وند (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و مشاور ارشد مرکز پژوهش‌های مجلس)

- مرکز ارزیابی سیاسی ایران: ضمن سلام و عرض ادب و تشکر از وقتی که برامون گذاشتید؛ برای آغاز گفت‌وگو بهتره با یک سوال شروع کنیم، موافقید؟
- دکتر یوسف‌وند: سلام علیکم. ممنون و تشکر از دعوت و تبریک بابت انگیزه مجموعه‌تون. بله، بفرمایید.
- مرکز ارزیابی سیاسی ایران: ممنون می‌شم نظراتان را درمورد اتفاقات اخیر و تهدیدها و فرصت‌های آن بفرمایید.
- دکتر یوسف‌وند: حتما. جنگ به‌عنوان شر مطلق، موضوعی است که از زوایای مختلف قابل تبیین است. جوامعی مانند جامعه ما، به‌طور طبیعی نباید در پی جنگ باشند، چرا که اثرات و تبعات آن معمولاً منفی و غنائم به همراه ندارد. درواقع، مهم‌ترین پیامد مثبت یک جنگ، در صورتی که با موفقیت همراه باشد، تامین امنیت است؛ اما این تامین امنیت نیازمند تلاشی طولانی‌مدت است. به تعبیری، آثار و پیامدهای جنگ به حدی دردناک و پرهزینه‌اند که

• مرکز ارزیابی سیاسی ایران: همان‌طور که عنوان داشتید، یکی از فرصت‌هایی که جنگ برای کشور ایجاد کرد، افزایش همبستگی اجتماعی است.

بنظر تون وضعیت همبستگی اجتماعی در شرایط جنگی چگونه است و چه عواملی بر پایداری یا ناپایداری آن تأثیر می‌گذارد؟

• یوسف‌وند: در شرایطی که به آن دچار شده‌ایم، همبستگی یک مفهوم کلیدی به شمار می‌آید. زمانی که صحبت از همبستگی

می‌شود، لوازم این امر که افراد را کنار هم قرار می‌دهد، به‌ویژه غنی و فقیر را، اهمیت زیادی دارد. در حقیقت، ایجاد یک هدف مشترک، که در اینجا تأمین امنیت است، پایه‌ای‌ترین موضوع زیست انسانی به شمار می‌آید. امنیت به‌عنوان نقطه اشتراک میان همه افراد، موجب نزدیکی آن‌ها می‌شود؛ با این حال، آنچه انشقاق و عدم همبستگی را رقم می‌زند، حس نابرابری و ناعدالتی در جامعه است که افراد را از یکدیگر جدا می‌سازد. وجود یک نقطه اشتراک، زمینه‌ساز خلق کنش جمعی است. به عبارت دیگر، باید تجربه‌ای مشترک و آینده‌ای همسو برای یکدیگر تصور کنیم؛ یعنی منافع شخصی من باید با منافع شما در یک نقطه پیوند پیدا کند. در این راستا، اکنون ما به یک هدف مشترک دست یافته‌ایم و آن چیزی نیست جز تأمین امنیت. نبود امنیت، هم برای فرد فقیر که زندگی‌اش در شرایط جنگ به‌شدت سخت

پدیده جنگ برای ایران هزینه‌های بسیاری را به‌همراه دارد. این هزینه‌ها در مقایسه با منفعی که می‌توان داشته‌باشد، بیشتر است. با این حال در برخی مواقع، مانند وقایع این چند روز، شرایطی را ایجاد می‌کند که چاره‌ای جز جنگ باقی نمی‌ماند.

هم‌اکنون با ناترازی مواجه است و کسری بودجه‌ای که در طی سال‌های اخیر افزایش داشته، به‌ویژه در این شرایط، نشان از چالشی جدی دارد. اما در کنار پیامدهای اقتصادی و زیرساختی، جنگ‌ها پیامدهای اجتماعی و فرهنگی بسیاری نیز دارند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اجتماعی این جنگ‌ها، ایجاد انسجام ملی و یکپارچگی اجتماعی است. به‌ویژه در نظام‌های حکومتی که به‌دلیل ضعف کارآمدی در سال‌های اخیر

با بحران مواجه شده‌اند، این نوع تهاجم و تجاوز می‌تواند موجب ارتقای انسجام ملی شود و ضعف‌ها و کاستی‌های سیستم را نمایان سازد. این واقعیت که اطلاعاتی دریافت نکرده‌ایم و سیستم‌های اطلاعاتی ما دارای نقص‌هایی بوده‌اند، به عنوان یک نقطه ضعف در نظر گرفته می‌شود. اگر این تهاجم رخ نمی‌داد، ممکن بود آتش زیر خاکستر همچنان پنهان بماند، اما اکنون این رویداد به ما آموخته است که باید با هوشیاری بیشتری به مسائل امنیتی نگاه کنیم. انسجام اجتماعی که در نتیجه این حادثه رقم خورده، ظرفیت خلق کنش جمعی را در جامعه به وجود آورده و امکان اصلاحاتی در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌کند. بدین ترتیب، می‌توان امید داشت که پس از این بحران، سیستم کشور با نگاهی هوشیارانه‌تر سیاست‌گذاری کند.

می‌شود، و هم برای فرد غنی که اگرچه دارای منابع اقتصادی است، احساس ناامنی و تهدید به زندگی‌اش لطمه می‌زند، خطرآفرین است. در واقع، شرایط نامناسب اقتصادی می‌تواند موجب آسیب‌پذیری بیشتر افراد غنی در برابر بحران‌ها شود. در این میان، هر دو گروه به یک نقطه مشترک دست می‌یابند و آن آینده مشترکی است که تأمین امنیت نام دارد. با

وجود اینکه گذشته مشترکی نداریم، ایجاد همبستگی اجتماعی نیازمند پیوستگی در تجربه‌های زیستی است. در جامعه امروز، انفکاک و جدایی‌گزینی گروه‌ها ریشه در فقدان تجربه مشترک دارد؛ بنابراین، روایت‌های انسان‌ها از ایرانی بودن متفاوت است؛ قشری

که در طبقه فقیر است، داستانی دارد، طبقه متوسط روایتی دیگر و طبقات بالاتر نیز تفاوت‌های خود را دارند. این تمایزهای طبقاتی باعث می‌شود افراد حس کنند که تجربه مشترکی با یکدیگر ندارند. اما اکنون به یک هدف مشترک، تأمین امنیت، رسیده‌ایم، زیرا نبود امنیت هر دو گروه را تهدید می‌کند. از این منظر، نکته‌ای که شما به آن اشاره کرده‌اید مهم است: آیا این همبستگی واقعاً پایدار است یا ناپایدار و مقطعی است؟ به عنوان مثال، زمانی که شهید سلیمانی به شهادت رسید، شرایط کشور به‌ویژه حساس بود و مستعد ناآرامی‌ها بود. اما این اتفاق موجب ایجاد حس

همدلی و انسجام اجتماعی شد. برخی معتقد بودند که در آن موقع، سرمایه اجتماعی احیا شد. با این حال، همان‌طور که ذکر شد، همبستگی ناپایدار و مقطعی، بدون انسجام عمیق، تنها از روی هیجان و حماسه شکل می‌گیرد. این همبستگی ممکن است موقتی باشد و در واقع فقط برای احیای حس وطن‌دوستی در جامعه کافی است. این احساس

همدلی و غیرتمندی که به دفاع از مرزها و مملکت منجر می‌شود، ریشه در تاریخ و فرهنگ هر جامعه‌ای دارد و به‌ویژه در ایران، با توجه به قداست دینی و ملیت، اهمیت دوچندانی می‌یابد. بنابراین، در زمان‌های دفاع از مرزها، افراد احساس نیاز به همبستگی می‌کنند و این نوع

همبستگی برای مقابله با تهدیدات خارجی کافی به نظر می‌رسد. اما برای حل مسائل داخلی، این نوع همبستگی کفایت نمی‌کند؛ زیرا در طی دهه‌های اخیر، جامعه به همبستگی در برابر چالش‌های داخلی نیاز بیشتری داشته و این همبستگی هرگز به اندازه لازم شکل نگرفته است. برای اجرای سیاست‌های داخلی کشور، ضرورت همبستگی حول موضوعاتی چون اصلاح یارانه‌ها، قیمت بنزین و سایر مسائل حائز اهمیت است. در واقع، برای پیشرفت در این زمینه‌ها، باید بر اهمیت همبستگی اجتماعی پایدار و هدفمند تأکید ورزیم. فکرش را کنید، قبل از وقوع این تهاجم،

نیاز به امنیت سبب همبستگی مردم شده است؛ با این حال این همبستگی گذرا است و همواره تهدید بازگشت شکاف‌ها در دوران جنگ و پساجنگ وجود دارد.

علاوه بر نیاز بر امنیت، اقدامات صحیح دولت چهاردهم در این دوران نیز توانسته این انسجام را حفظ کند.

هیچ‌گونه همیاری و همراهی در سطوح مختلف جامعه نسبت به سیاست‌های داخلی و حتی سیاست‌های خارجی‌مان شکل نمی‌گرفت. اما حالا که یک تجاوز به عرصه‌های امنیتی جامعه رخ داده، آن هم نه فقط از نوع امنیت اجتماعی بلکه امنیت سیاسی، آن زیست انسانی و اجتماعی که در خطر است، به روشنی تأثیر خود را نمایان می‌کند. به همین دلیل است که همبستگی شکل می‌گیرد. این همبستگی، صرفاً برای شرایط جنگی مناسب است و تنها در چنین موقعیت‌هایی کاربرد دارد، اما پایدار نیست. در واقع، برای حل مسائل سیاست داخلی جامعه، این نوع همبستگی ممکن است به‌صورت مقطعی مورد استفاده قرار گیرد اما برای ایجاد یک انسجام و یکپارچگی اجتماعی پایدار نیازمند لوازم جدی است. این لوازم به عملکرد صحیح سیستم حکمرانی برمی‌گردد. سؤال این است که آیا پس از جنگ دچار مصادره جنگ خواهیم شد؟ آیا فرایند خودی و غیرخودی همچنان ادامه می‌یابد؟ آیا چالش‌ها و موانع جدیدی بر سر راه خواهیم داشت که باید به آن‌ها توجه کنیم؟ اکنون بحران و چالش‌های عظیم و پیچیده جنگ بالای سر ماست، و آینده پساجنگ ممکن است هنوز زمان‌بر باشد. ایده‌ها و تحلیل‌های زیادی برای آینده وجود دارد، اما اجازه دهید به این نکته بسنده کنم که ما باید درباره ساختارهای اطلاعاتی کشور، کارآمدی سیستم حکمرانی و موارد دیگری که به‌طور روشن در بروز این چالش‌ها نقش داشته‌اند، صحبت کنیم. به‌عنوان

مثال، در هفته اخیر، می‌بینیم که دولت، یکی از کارآمدترین دولت‌های تاریخ جمهوری اسلامی به شمار می‌آید. آنچه که می‌توان به‌عنوان یکی از اجتماعی‌ترین دولت‌ها معرفی کرد، در این یک هفته توانسته است کارآمدی‌اش را با نیمی از نیروهای موجود به‌مراتب بیشتر از زمانی که همه کارمندان با تمام قوا مشغول به کار بودند، به نمایش بگذارد. این دولت موفق شده است که طلب‌گندم‌کاران را به‌موقع پرداخت کند، حقوق کارمندان را سه روز زودتر واریز نماید و همچنین دسترسی کامیون‌داران به سوخت و دیگر نیازهایشان را به‌خوبی فراهم کند. چنین اقداماتی نشان‌دهنده‌ی یک کارآمدی کم‌نظیر است، چرا که دولت اراده‌ای قوی برای حل مسائل دارد و نمی‌خواهد هیچ موضوعی مبنای تولید نارضایتی در جامعه شود. پس در دوران پساجنگ، به دولتی نیاز داریم که مانند این یک هفته، حتی با نیمی از نیروها به کار خود ادامه دهد و همچنان به تأمین نیازهای جامعه بپردازد. در این شرایط، دولت باید نماینده کل جامعه باشد و از هرگونه تمایز بین خودی و غیرخودی بپرهیزد. این موضوع را به‌عنوان مثال مطرح کردم تا روشن سازم که در دوران پساجنگ، باید به کاستی‌ها در ساختار حکمرانی توجه شود و نیز چالش‌های پیش روی ما، که ریشه در خطاهای راهبردی سیستم دارد، بررسی شود. با این حال، اکنون که در بطن جنگ قرار داریم، شاید زمان مناسبی برای بحث درباره آینده پسا جنگ نباشد. اولویت فعلی باید بر خاتمه موفقیت‌آمیز جنگ

متمرکز باشد و سپس بتوان درباره سناریوهای آینده بحث کرد. آنچه که امروز با آن مواجه هستیم این است که کشورهای غربی و نیروهای مهاجم در تلاشند تا ایران را از درون به بحران بکشانند و ناراضیاتی‌ها را بازتولید کنند، تا ناامیدی نسبت به دولت را تقویت و احساس ناتوانی را در ذهن مردم جایگزین کنند. به یاد داشته باشید که جامعه اکنون درگیر جنگی است که تنها با روایت‌های ناامیدکننده

مواجه شده است. در واقع، زیست جنگی به شکلی که در دهه شصت تجربه می‌شد، در حال حاضر وجود ندارد و داستان‌هایی که رزمندگان از جبهه‌ها به خانه می‌آوردند، جای خود را به

قصه‌های جدید داده است. ما اکنون در تلاشیم تا برای بقای خود و آینده‌ای روشن، همگی با یکدیگر همبستگی داشته باشیم.

- مرکز ارزیابی سیاسی ایران: در توضیحاتتون از روایت‌سازی و اهمیت آن در دنیای امروز گفتید. بنظرتون چگونه می‌توان روایت‌سازی موثر و قابل قبولی از جنگ برای مخاطبان داخلی و خارجی انجام داد و چه چالش‌هایی در این زمینه وجود دارد؟

- یوسفوند: زمانی که نیروها به جبهه می‌رفتند، برخی از آن‌ها برمی‌گشتند و اخبار و داستان‌ها را از خط مقدم می‌آوردند. نامه‌ها رد و بدل می‌شد و هشت سال این قصه‌ها و روایت‌ها ادامه پیدا می‌کرد. اما امروز، تنها پس از یک هفته از آغاز جنگ، دیگر هیچ

داستانی وجود ندارد. اکنون با جنگی روبه‌رو هستیم که عینیت آن به وضوح مشهود نیست؛ جنگی که به نوعی جنگ الکترونیکی تبدیل شده است. برای کسانی که هرگز واقعیت جنگ را به‌طور عیان ندیده‌اند، درک این وضعیت دشوار است. اکنون، تنها صدای انفجارها به گوش می‌رسد و شاید خطوطی از ردپای موشک‌ها به چشم بیاید؛ این واقعیت به طرز قابل توجهی متفاوت است و نیازمند تحلیل بیشتری

دارد. بنابراین، اگر به دنبال روایت‌سازی هستیم، باید بدانیم که این روایت‌ها، به‌ویژه روایت‌های داخلی، به تنهایی کفایت نمی‌کند. یکی از جنبه‌های این روایت‌سازی باید شامل انتقال داستان‌هایی به

در دنیای امروز، بیش از هر چیزی به روایت‌های مناسب نیاز است که اهمیت آن در حد جنگ موشکی است.

دیگران در خارج از کشور باشد؛ که در این زمینه، ما معمولاً با چالش‌هایی روبرو هستیم. محدودیت‌های اینترنتی نیز این موضوع را پیچیده‌تر می‌سازد. البته، برخی استدلال‌ها وجود دارد مبنی بر اینکه این محدودیت‌ها به عنوان یک تاکتیک جنگی برای مختل کردن پهنادهای دشمن به کار گرفته شده است؛ این همه می‌تواند مؤثر باشد، اما در نهایت، چالش‌های جدی‌ای در زمینه روایت‌سازی جهانی به وجود خواهد آورد.

- مرکز ارزیابی سیاسی ایران: در سخنان‌تون گریزی بر موضوع نقش حکمرانی در شرایط جنگی داشتید و تعبیری هم از دولت چهاردهم داشتید که به‌عنوان اجتماعی‌ترین دولت در کشور از آن یاد کردید.

بنظرتون عملکرد دولت و سیستم حکمرانی در مدیریت بحران‌های جنگی چگونه باید باشد تا بتواند نارضایتی‌های اجتماعی را کاهش دهد؟

• یوسفوند: برای شکل‌گیری یک همبستگی اجتماعی پایدار که بتواند با جامعه گفت‌وگو کرد، نیاز به یک گفت‌وگوی صادقانه است. آن جریان‌های سیاسی که به خاطر منافع گروه‌های خاص خود منازعاتی را به وجود می‌آورند، باید رفتارهای سخیف خود را کنار بگذارند و واقعیت‌های جامعه را با مردم هم‌راستا سازند تا تصمیمات درستی اتخاذ شود. اخیراً در برخی گروه‌ها و کانال‌ها مشاهده کرده‌ام که برخی افراد همچنان در مواضع کلان خود ثابت قدم مانده‌اند و احساس می‌کنم که اگر

دوری از جناح بازی، گفت‌وگو ممتد و صادقانه با مردم و ایجاد فضای گفت‌وگو محور از جمله راهبردهایی جهت مدیریت بحران‌های جنگی محسوب می‌شود.

جنگ به پایان برسد، آن‌ها ممکن است دوباره تلاش کنند تا دستاوردهای جنگی را مصادره کنند. به این معنا که همان‌طور که بارها دیده‌ایم، ممکن است یک دسته‌بندی جدید از خودی و غیرخودی ایجاد کنند و دلسوزان این سرزمین را کنار بزنند. این امر می‌تواند به ایجاد فضایی منجر شود که در آن برخی گروه‌های نفوذی با همان دیالوگ‌های قدیمی، سعی در حذف افراد و گروه‌های دلسوز داشته باشند. این موضوع به شدت نگران‌کننده است. ما باید مراقب این جریان‌های نفوذ باشیم که به راحتی صدای گروه‌های مختلف را با برچسب زدن خاموش می‌کنند؛ این امر تنها برای حفظ خود و منافعشان صورت می‌گیرد، در

حالی که هدفشان در حقیقت نفوذ و خرابکاری است. متأسفانه، ممکن است ما از این وضعیت غافل شویم و همان افراد سر و صدا را به عنوان دلسوزان جمهوری اسلامی تلقی کنیم. بنابراین، ضروری است که جدی‌تر به مصدراهای نفوذ فکر کنیم و از تجربه‌های خود در تصمیم‌گیری‌های شهودی استفاده نماییم. باید به آن افرادی که دور و بر بزرگان و فرماندهان بودند و نقشی پررنگ در این زمینه داشتند، دقت بیشتری کنیم و در خصوص گروه‌هایی که امکان نفوذ اطلاعاتی را فراهم کرده‌اند،

هوشیار بمانیم. در نهایت، امید دارم که این نهادهای نظارتی و سیستم‌های تصمیم‌گیری بتوانند بنای مستحکمی برای بهبود وضعیت کشور ایجاد کنند. یکی دیگر از نکات مهم این است که

باید با مردم صادقانه گفت‌وگو کنیم. البته در برخی موضوعات جنگی، محدودیت‌هایی وجود دارد و ممکن است از درز اطلاعات جلوگیری شود، اما باید تلاش کنیم تا فضای گفت‌وگو را گسترش دهیم و با واقعیت‌های جامعه در ارتباط باشیم. اما گفتگوهایی که رهبری و افراد گروه‌های مختلف همچون دانشمندان، اندیشمندان، جامعه‌شناسان و سیاستمداران با پذیرش عمومی دارند، باید در اولویت قرار گیرد. این شخصیت‌ها بایستی چهره‌های جدیدی باشند که در رسانه‌ها و گفتگوها با مردم به میدان بیایند و از آن چهره‌های تکراری که دیگر اظهار



نظریاتشان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و از منظر ایدئولوژیک نیز به آن‌ها نگاه مثبتی نمی‌شود، کمتر استفاده شود. تلاش شود تا چهره‌های جدید و با ادبیات متفاوت به حفظ همبستگی در همین فضای جنگی کمک کنند تا بتوانند این وضعیت را به‌خوبی مدیریت کرده و در دوران پسا جنگ، ان‌شاءالله، سیاست‌گذاری‌های مناسب و طراحی‌های موثری شکل بگیرد. در این راستا، بهره‌گیری از این چهره‌های تازه نفس می‌تواند به بهبود فضای اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی کمک شایانی نماید.

• مرکز ارزیابی سیاسی ایران: دکتر یوسف‌وند، ممنون که وقتتون رو صرف گفت‌وگو با ما کردید. امیدوارم سلامت و ثابت قدم باشید.

• یوسف‌وند: ممنون از شما و تشکر از بابت ذهنیت دغدغه‌مند شما

ارتباط با ما

شماره تماس: ۰۹۹۳۸۰۷۸۶۱۷



پست الکترونیکی: arzyabsiasati@gmail.com

مکان: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دفتر جهاد دانشگاهی